



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال دهم، شماره‌ی بیستم، نیمه دوم ۱۳۹۴

تاثیر ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی بر رشد اقتصادی استان ها در برنامه چهارم توسعه (با تاکید بر بخش کشاورزی) با استفاده از داده های تابلویی

* دکتر یوسف محنت فر

** حامد سلیمانی

*** سید بیژن بابایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۸

چکیده:

اقتصاد کشور های جهان سوم از جمله کشور ما اغلب بر تولیدات کشاورزی متکی است و فعالیتهای کشاورزی هم، غالباً در روستاها انجام می شود. برای بهبود بخشیدن به روشهای سنتی تولیدات کشاورزی و بهره برداری بهینه از زمین و منابع تولید و توزیع محصولات کشاورزی، افزایش رشد اقتصادی و دست یابی به توسعه پایدار در این بخش در اقتصاد ایران باید توجه شود. لذا بدون درک صحیح از برنامه های توسعه و سند چشم انداز بیست ساله کشور نمی توان به اهداف اقتصادی بخصوص در بخش کشاورزی رسید. زیرا در دنیای امروز ضرورت توسعه یافتگی کشورها از دغدغه های اصلی محسوب شده، و بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بخش غالب اقتصاد ی تلقی می شود. با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد ایران این تحقیق انجام شده است در این مقاله ارزش افزوده بخش های اقتصادی ۳۰ استان کشور را در دوره زمانی برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) مورد بررسی قرار گرفته. نتایج الگو های اقتصادسنجی با استفاده از داده های تابلویی نشان می دهد که رشد بخش کشاورزی در استان های کشور

* نویسنده ی مسئول - عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران (Email: yamehnatfar@yahoo.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد قائمشهر (Email: Hamed.soleimani@yahoo.com)

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان (Email: Babaee_Bijan@yahoo.com)

تاثیری مثبت و معنی داری بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. بنابراین دولت باید در راستای دست یابی به اهداف کلان اقتصادی به بخش کشاورزی توجه جدی داشته باشد .

واژه های کلیدی: ارزش افزوده، رشد اقتصادی، توسعه پایدار، بخش کشاورزی، برنامه چهارم توسعه

طبقه بندی JEL: E01; L52; Q18; R11

۱- مقدمه

یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه در کشورهای در حال توسعه مساله رشد اقتصادی می باشد. هدف اصلی نظریه های مربوط به رشد اقتصادی بررسی عوامل تعیین کننده رشد در کشورهای مختلف بوده است. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی در سال مورد بحث به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می شود. افزایش نهاده های تولید (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش بهره وری عوامل تولید و به کارگیری ظرفیت های خالی در اقتصاد از مهمترین منابع رشد اقتصادی می باشند. رشد بالا و توسعه اقتصادی از جمله اهداف مهمی است که اقتصادها به دنبال آن می باشند علت این مسأله به دلیل وجود منافع و مزایایی (همانند بهبود و ارتقای سطح زندگی، کاهش فقر و بیکاری) است که در روند رشد تحقق می یابد.

بخش کشاورزی یکی از اساسی ترین بخش های اقتصادی محسوب می شود. قرن ها فعالیت انسان شامل فعالیت کشاورزی بوده و سایر فعالیت ها در خدمت آن بوده است. تجارت عمدتاً مربوط به مواد غذایی بوده و صنایع در گذشته برای تولید بیشتر محصولات کشاورزی شکل می گرفت. پس از انقلاب صنعتی و اهمیت این بخش، بتدریج از اهمیت کشاورزی کاسته شد. سیاست گزاران تلاش می کردند با هدایت منابع تولید و رشد در صنعت آن را سریعاً توسعه دهند. در راستای صنعتی شدن، منابع انسانی و سرمایه ای بتدریج از کشاورزی خارج و به صنعت تزریق گردید. از اواخر دهه شصت میلادی، بخش کشاورزی مورد بازنگری قرار گرفت. کشورهای زیادی در راه رسیدن به صنایع مدرن، نه تنها موفق نشدند بلکه مزیت های کشاورزی خود را به دلیل بی توجهی به آن از دست دادند.

از نظر تئوری، نظریه اثرات القایی سرمایه گذاری آلبرت هیرشمن حاکی از آن است که در جریان رشد اقتصادی باید در بخش هایی سرمایه گذاری شود که بیشترین ارتباط

تاثیر ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی ... ۳

را با سایر بخش ها داشته باشند. با این اقدام اثرات القایی ناشی از سرمایه گذاری افزایش خواهد یافت. اقتصاد دانانی مانند لوئیس معتقد بودند ساختار کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به گونه ای است که ارتباط کمی با سایر بخش ها دارد. در کشاورزی سنتی، تولید با هدف معیشت خانوار می باشد. منابع تولید اعم از نیروی کار و سرمایه متعلق به خانوار کشاورز است. آب در بازار معامله نشده و زارعین دارای حق آبه هستند. بذر از محصول سال قبل بدست می آید و گرچه امروزه کشاورزی کاملاً سنتی در کمتر جایی از دنیا مشاهده می شود اما همچنان در شدت اثرات متقابل کشاورزی و صنعت با رشد کلان اقتصادی تردید وجود دارد. محاسبه ارزش افزوده به منظور پرهیز از احتساب مضاعف صورت می گیرد. به این معنی که ارزش کالاها و خدماتی که به عنوان داده های واسطه یک فعالیت به کار گرفته می شود به نوبه خود ستانده یک فرایند تولید بوده و لازم است از ستانده این فعالیت کم شود تا ارزش افزوده آن بدست آید. ارزش افزوده یکی از کمیت های کلان اقتصادی است که حاصل حساب تولید و کمیت ترازکننده این حساب است.

ما در این مقاله سعی داریم که فروض زیر را مورد توجه قرار دهیم :

الف: رشد بخش های مختلف اقتصادی موجب رشد تولید می شود

ب: رشد بخش کشاورزی موجب رشد تولید می شود

با توجه به ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی در اقتصاد ایران و تاثیر آن بر رشد اقتصادی استانی و در نهایت بر رشد اقتصادی ملی و اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد ایران در این مقاله ارزش افزوده بخش های مختلف را بر رشد اقتصادی در ۳۰ استان کشور مورد بررسی قرار گرفته است . در این تحقیق ابتدا مطالعات انجام شده در خصوص رابطه میان رشد اقتصادی با رشد بخش کشاورزی بررسی شده است. در ادامه پس از معرفی الگوی مورد نظر که بصورت داده های تلفیقی می باشد، اثر میزان ارزش افزوده بخش ها بر رشد اقتصادی در استان های کشور مورد بررسی قرار گرفته و در پایان ضمن بررسی و تحلیل نتایج حاصل از پردازش الگوی اقتصادسنجی به جمع بندی و نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد های سیاستی پرداخته شده است.

۲- مروری بر پیشینه تحقیق

۲-۱- بررسی تحقیقات انجام شده در ایران

فلسفیان، قهرمانزاده و غلامی (۱۳۸۹) رابطه علی بین رشد بخش کشاورزی و رشد اقتصادی در ایران را مورد بررسی قرار دادند. این تحقیق به بررسی رابطه علی بین رشد اقتصادی و رشد بخش کشاورزی در ایران می پردازد. بدین منظور، از روش علیت گرانجر بهره گرفته شده و در این خصوص ایستایی متغیرهای مورد نظر از طریق آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که یک رابطه دو سویه بین رشد اقتصادی و رشد بخش کشاورزی کشور در یک دوراهی بلند مدت وجود دارد. حاجی رحیمی و ترکمانی (۱۳۸۲) به مطالعه و بررسی نقش رشد بخش کشاورزی در رشد اقتصادی ایران با کاربرد الگوی تحلیل مسیر ۱ پرداخته اند. نتایج نشان داد که ارزش افزوده بخش صنعت و گسترش فناوری دارای اثر مثبت و معنی دار، و رابطه مبادله یا نسبت شاخص قیمت محصولات کشاورزی به شاخص قیمت کل اثر منفی و معنی دار بر ارزش افزوده بخش کشاورزی داشته است. همچنین ارزش افزوده بخش کشاورزی دارای بیشترین اثر مثبت بر ارزش افزوده کل بوده است. شاکری (۱۳۸۳) اهمیت بخش کشاورزی در فرآیند توسعه اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده و به بررسی ابعاد نظری و تجربی جایگاه بخش کشاورزی در فرآیند توسعه اقتصادی در مراحل مختلف توسعه یافتگی و به طور خاص ایران پرداخت. وی با آمار و ارقام نشان داد که در ایران روند سرمایه گذاری در بخش کشاورزی نامناسب بوده و وضعیت حمایت از بخش در مقایسه با کشورهای پیشرفته و در حال توسعه مطلوب نمی باشد. عملکرد مربوط به اعطاء اعتبارات یا جذب آنها بسیار پایین تر از مقادیر مصوب است. اعتبارات عمرانی روستایی و بودجه تحقیقات کشاورزی ناچیز است و جبران این کاستیها و افزایش سرمایه گذاری، حمایت ها، اعتبارات عمرانی و... تنها در صورت ایجاد یک روند توسعه ای و حذف فعالیت های نامولد و توجه به توسعه روستایی امکان پذیر خواهد بود. وی نتیجه گیری نمود که اولاً بخش کشاورزی به خاطر اهمیتی که در تأمین امنیت غذایی و استقلال سیاسی کشورها دارد به هیچ وجه نباید مورد بی توجهی قرار گیرد. ثانیاً برای تحقق اهداف رشد و توسعه کشور باید بستر توسعه ملی را طراحی و ایجاد کرد و با تاکید بر توسعه روستایی جایگاه بخش کشاورزی را در بستر مذکور مشخص نمود. ثالثاً

ایده وجود تضاد میان بخش های کشاورزی و صنعت موضوعیت ندارد. اسماعیلی و حسن پور (۱۳۸۶) چگونگی تاثیر صادرات بر رشد اقتصادی بخش کشاورزی در دوره زمانی ۸۱-۱۳۵۷ و نیز تاثیر متغیرهایی نظیر سهم سرمایه گذاری در GDP و اشتغال را بر آن مورد بررسی قرار دادند. الگوی همجمعی خود توضیح با وقفه های توزیعی (ARDL) برای بررسی رابطه کوتاه مدت و بلند مدت میان متغیرهای صادرات و ارزش افزوده بخش کشاورزی به کار گرفته شد. نتایج نشان داد که رابطه تعادلی مثبت و معنی داری میان متغیرهای صادرات و ارزش افزوده بخش کشاورزی وجود دارد و بر توسعه و گسترش صادرات جهت افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی و در نهایت رشد اقتصادی کشور تاکید می نماید. طهرانچیان (۱۳۸۶) به بررسی نقش کشاورزی در رشد اقتصادی ایران در سال های ۱۳۴۰-۱۳۸۱ پرداخته است. نتایج حاصل از مطالعه توصیفی داده ها نشان می دهند که با وجود اهمیت این بخش در صادرات غیرنفتی، سهم بخش کشاورزی در تولید ملی، سرمایه گذاری داخلی و اشتغال قابل توجه نمی باشد. بخش دیگر این مقاله به برآورد مدل های اقتصادسنجی اختصاص یافته است. نتایج حاصل از تخمین مدل های رگرسیونی که پس از آزمون های ریشه واحد فیلپس- پرون و همجمعی جوهانسن بدست آمده نشان می دهند که به ازای یک درصد افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی، به طور متوسط رشد اقتصادی به میزان ۰,۱۳ درصد افزایش می یابد که از این نظر کمتر از ضریب کشش رشد نسبت به ارزش افزوده بخش خدمات می باشد. همچنین برآوردهای انجام شده نشان می دهد که به ازای یک درصد افزایش سهم سرمایه گذاری بخش کشاورزی در کل سرمایه گذاری داخلی، تولید ملی به طور متوسط ۰,۱۵ درصد افزایش می یابد. علاوه بر این برآورد اثر سرریز سرمایه گذاری در بخش کشاورزی نشان می دهد که رابطه نسبتاً یک به یک بین سرمایه گذاری در این بخش و تولید سایر بخش های اقتصادی وجود دارد. حفار اردستانی (۱۳۸۰) رابطه بین صادرات و رشد اقتصادی بخش کشاورزی در ایران را طی سالهای ۷۸-۱۳۴۹ بررسی نموده است. روش شناسی به کار رفته در مطالعه، الهام گرفته از مطالعات تجربی بر اساس روابط علیت گرنجری است. پایایی متغیرها با استفاده از آزمون ریشه واحد دیکی - فولر تعمیم یافته و پایایی ترکیب خطی آنها با روش همگرایی یوهانسون مورد آزمون قرار گرفت. سپس به منظور بررسی جهت علی دو متغیر و تعیین علیت کوتاه مدت و بلند مدت

مدل تصحیح خطای برداری تخمین زده شده است. نتایج نشان داد که رشد صادرات بخش کشاورزی در کوتاه مدت و بلندمدت محرک رشد اقتصادی این بخش بوده است. در حالیکه رشد اقتصادی بخش کشاورزی تنها در کوتاه مدت منجر به رشد صادرات این بخش شده است. رشد موجودی سرمایه بخش در بلندمدت منجر به رشد صادرات این بخش گردید. در حالیکه رشد نیروی کار شاغل در بخش در بلندمدت تاثیر معنی داری بر صادرات بخش نداشته اند، اما از عوامل غیر مستقیم موثر بر صادرات بخش کشاورزی در کوتاه مدت محسوب شده اند. بالاخره تغییرات نرخ ارز در کوتاه مدت و بلندمدت تاثیر معنی داری بر رشد و صادرات بخش کشاورزی نداشته اند.

۲-۲- بررسی تحقیقات انجام شده در سایر کشورها

مانچوک^۱ و همکارانش (۲۰۰۷) تحقیقی در زمینه رشد اقتصادی منطقه ای در برخی مناطق آمریکا انجام دادند. آنان با استفاده از مدل رشد اقتصادی نشان دادند که علاوه بر تراکم جمعیت، میزان مالیات محلی و ایالتی و ترکیب گروه های سنی جمعیت، میزان فعالیت کشاورزی نیز بر رشد اقتصادی موثر بوده است. این متغیرها پس از آزمون تعداد زیادی متغیر رشد شناسایی گردید. کاتیگلو^۲ (۲۰۰۶) طی مقاله ای به رابطه علی بین رشد کشاورزی و رشد اقتصادی پرداخت. هدف از مطالعه بررسی تاثیر بخش کشاورزی بر اقتصاد شمال قبرس بود. دوره زمان ۲۰۰۲ □ ۱۹۷۵ و روش تحقیق بر پایه آزمون علیت گرنجر بوده است. ابتدا داده ها از حیث پایایی با آزمون ریشه واحد مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد این دو متغیر رشد همگرا هستند و دارای تعادل بلند مدت می باشند. همچنین علیت بین این دو، دو طرفه بوده است. به این ترتیب علی رغم مشکلات سیاسی و خشکسالی های پی در پی، کشاورزی، همچنان بر روی رشد اقتصادی و بهبود رفاه جامعه در منطقه مدنظر موثر است. بنابراین اتخاذ سیاست مناسب توسط اولیای امر در بخش کشاورزی دارای اهمیت ملی است. ها^۳ (۱۹۸۸) در تحقیقی، مشارکت کشاورزی در رشد اقتصادی را بر اساس شواهد تجربی مورد بررسی قرار داد. او با استفاده از یک تحلیل آماری و کاربرد داده های مقطعی، مشارکت معنی

1. Monchuk

2. Katircioglu

3. Hwa

دار کشاورزی بر رشد اقتصادی را نتیجه گرفت. نتیجه مهم تحقیق او این بود که رشد کشاورزی با رشد صنعت در طول فرآیند توسعه اقتصادی ارتباط قوی دارد. همچنین از طریق اثر مطلوبش بر بهره وری کل عوامل تولید در جریان رشد اقتصادی، مشارکت همه جانبه دارد. چنگ ها، نتیجه گرفت نقش کشاورزی کمتر از صادرات، اهمیت نداشت. شواهد تجربی تحقیق مزبور این فرضیه را تقویت می کند که کشاورزی و توسعه روستایی بایستی در اولویت قرار گرفته و به طور شایسته ای در استراتژی رشد همه جانبه مورد حمایت قرار گیرد. کیم ۱ (۱۹۸۷) طی مقاله ای به موضوع علل کاهش سهم تولیدات کشاورزی در جریان رشد اقتصادی پرداخت. از نظر وی مشخصه رشد اقتصادی صعود آرام تقاضا برای غذا و رشد سریع بهره وری در کشاورزی نسبت به غیر کشاورزی است. از این رو در یک نظام اقتصادی بسته، کاهش تولید کشاورزی در دوره های مربوط به توسعه اقتصادی قابل فهم است. اما در نظام های اقتصادی در حال رشد باز نیز که مزیت رقابتی در تولیدات کشاورزی به دست می آید، کاهش تولید کشاورزی وجود داشته و سؤال بر انگیز است. او نتیجه می گیرد که تقاضا برای کالا های غیر کشاورزی دارای کشش در آمدی بیشتری است، بنابراین حتی در نظام های اقتصادی باز نیز منابع به سمت تولید این کالاها منحرف می شوند. هامپریز ۲ و نالس ۳ (۱۹۹۸) با استفاده از الگوی رشد اقتصادی سولو-سوان ۴، مشارکت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی را مورد بررسی قرار دادند. در الگوی فوق نیروی کار خارج از بخش کشاورزی به عنوان متغیر نیروی کار در تابع تولید کل استفاده شد. نتایج تجربی الگو، مهاجرت نیروی کار از بخش کشاورزی به دیگر بخش ها را برای افزایش رشد اقتصادی حمایت کرد. یاو ۵ (۲۰۰۰) به بررسی اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی چین پرداخت. کشور چین رشد اقتصادی چشمگیری را از سال ۱۹۴۹ تا به حال تجربه کرده است. رشد سریعی که در بخش های غیر کشاورزی اتفاق افتاد موجب انتقال وسیع و سریع منابع از کشاورزی گردید. پیش از اصلاحات اقتصادی ۱۹۸۷، از کشاورزان مالیات سنگینی برای توسعه شهرها و صنایع اخذ می شد. از سال ۱۹۸۷ همزمان با اصلاحات

-
1. kym
 2. Humphries
 3. Knowles
 4. Solow-Swan
 5. Yao

اقتصادی، بار هزینه ای فوق کاهش یافت. اما عدم سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، همچنان به عنوان یک محدودیت در سر راه توسعه این بخش وجود داشت. در مطالعه فوق، روش تحقیق شامل داده های تجربی و آزمون همگرایی بود. دو نتیجه اصلی از تحقیق به دست آمد. اولاً گرچه سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کاهش یافت اما همچنان به عنوان یک عامل در رشد اقتصادی سایر بخش ها محسوب می شود. ثانیاً رشد سریع سایر بخشها اثر کمی بر رشد بخش کشاورزی دارد. دلر ۱ و همکارانش (۲۰۰۳) به بررسی نقش کشاورزی در رشد اقتصادی روستا پرداختند. آنها با کاربرد ۲۲۴۰ داده از بخش های غیر وابسته به شهر های بزرگ آمریکا در دوره زمانی ۹۵-۱۹۹۰، نقش میزان وابستگی مزارع بر رشد اقتصاد روستایی را مورد آزمون قرار دادند. آنان با استفاده از یک مدل نئوکلاسیکی ساده از رشد اقتصاد منطقه ای، نقش کشاورزی در همگرایی اقتصاد روستایی را مورد مطالعه قرار دادند. تئوری نئوکلاسیکی سنتی پیش بینی می کند که مناطق فقیر روستایی، نسبت به مناطق غنی سریع تر رشد می نماید. نتایج آزمون پیشنهاد می کند که سطوح بالاتر وابستگی به کشاورزی، ممکن است نرخ رشد پایین تری را به همراه داشته باشد.

۳- مواد و روش ها

تعریف و مفهوم رشد و مراحل مختلف رشد اقتصادی: رشد اقتصادی به مفهوم افزایش مستمر تولید ملی واقعی سرانه در یک دوره بلند مدت در یک کشور می باشد. بر اساس این مفهوم می توان گفت رشد اقتصادی به دو صورت می تواند تحقق یابد: ۱- رشد اقتصادی متعادل: که در آن به شکل موزون و هماهنگ رشد در همه ارکان و اجزاء و بخش های اقتصادی جامعه در مناطق مختلف شهری و روستایی صورت می گیرد. ۲- رشد اقتصادی نامتعادل: در مسیر رشد تنها تکیه بر یکی از بخش های اقتصادی یا مناطق جغرافیای و یا ارکان اجتماعی می گردد. در مجموع می توان گفت رشد اقتصادی پدیده ای مستمر و طولانی بوده که از پیچدگی فوق العاده ای برخوردار است و در مسیر آن مراحل مختلفی باید سپری گردد تا رشد اقتصادی حاصل شود.

رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه، به عبارت دیگر در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی در سال مورد بحث به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می شود. علت این که برای محاسبه رشد اقتصادی، از قیمت های سال پایه استفاده می شود آن است که افزایش محاسبه شده در تولید ناخالص ملی، ناشی از افزایش میزان تولیدات باشد و تاثیر افزایش قیمت ها (تورم) حذف گردد. افزایش نهاده های تولید (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش بهره وری عوامل تولید و به کارگیری ظرفیت های خالی در اقتصاد از مهمترین منابع رشد اقتصادی می باشند. در این تحقیق از داده های تلفیقی^۱ استفاده شده است. در هر یک از مدل های سری زمانی و مقطعی، نارسایی هایی وجود دارد که در مدل تلفیقی می توان آن ها را کاهش داد. در این تحقیق اطلاعات سری زمانی بر حسب دلار در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۸ و داده های مقطعی، استان های کشور، در نظر گرفته شده است. در روش داده های تلفیقی ابتدا دو آزمون انجام می شود: برای تعیین حالت برابری عرض از مبدا کشورها با حالت تفاوت در عرض از مبدا کشورها از آزمون F و برای تعیین روش اثر ثابت و یا اثر تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می شود. همچنین لگاریتم تولید ناخالص داخلی (LGDP) به عنوان رشد اقتصادی و لگاریتم ارزش افزوده هر یک از بخش های اقتصادی به عنوان رشد آن بخش در نظر گرفته شده است.

در این زمینه می توان الگوی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی را به صورت زیر ارائه کرد:

$$\log GDP_i = b_0 + b_1 \log VAA_i + b_2 \log VAI_i + b_3 \log VAS_i + b_4 \log VAB_i + e_i \quad (1)$$

متغیر های مدل عبارتند از :

LogGDP: لگاریتم تولید ناخالص داخلی

LogVAA: لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی

LogVAI: لگاریتم ارزش افزوده بخش صنعت
 LogVAS: لگاریتم ارزش افزوده بخش خدمات
 LogVAB: لگاریتم ارزش افزوده بخش ساختمان

۴- جمله ی پسماند

روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای می باشد و از اطلاعات و آمار و ارقام واقعی منتشر شده توسط سازمان های رسمی و قابل استناد استفاده می شود. به طوری که از داده های مربوط به ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی و رشد تولید که توسط مرکز آمار ایران برای ۳۰ استان کشور در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است استفاده می شود. همچنین از آمار و اطلاعات مربوط به ارزش افزوده بخش های کشاورزی، صنعت، ساختمان و خدمات و همچنین تولید ناخالص داخلی استان های کشور در سال های برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) که توسط مرکز آمار ایران منتشر و ارائه شده است، استفاده می گردد.

۵- بحث و نتایج

با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته، معادله شماره (۱) در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۸ به روش داده های تلفیقی در قالب ۱۵۰ مشاهده برآورد شده است. با توجه به آماره t کلیه ضرایب مدل در سطح ۱ درصد، معنی دار و قابل قبول می باشند. F محاسباتی برابر ۳۴,۶۳ و k - دو محاسباتی معادل ۴۷,۳۳ برآورد شده اند و معنی دار میباشند. طبق آزمون F ضرایب ثابت برای هر کشور جداگانه لحاظ شده و بر اساس آزمون هاسمن بین اثرات ثابت و تصادفی، اثر ثابت انتخاب شده است. نتایج برآورد شده در جدول (۱) منعکس شده است.

جدول ۱. نتایج حاصل از برآورد الگوی اقتصادسنجی برای استان های کشور

نام متغییر	متغییر توضیحی	مقدار ضرایب	انحراف معیار	آماره t
لگاریتم ارزش افزوده	LogVAA	۰,۲۱	۰,۰۰۶	۳۲,۱

تاثیر ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی ... ۱۱.....

				بخش کشاورزی
				لگاریتم
۱۱,۲	۰,۰۱۳	۰,۱۶	LogVAI	ارزش افزوده
				بخش صنعت
				لگاریتم
۴۳	۰,۰۱۲	۰,۵۵	LogVAS	ارزش افزوده
				بخش خدمات
				لگاریتم
۱۰	۰,۰۰۹	۰,۱	LogVAB	ارزش افزوده
				بخش ساختمان

ماخذ: نتایج تخمین

نتایج جدول شماره (۱) نشان می دهد که لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی رابطه مثبت با تولید ناخالص داخلی دارد. به عبارتی یک درصد رشد بخش کشاورزی، ۰,۲۱ درصد تولید ناخالص داخلی را افزایش میدهد. میتوان اهمیت بخش کشاورزی را در استان های کشور از طریق الگوی اقتصادسنجی نتیجه گرفت و نشان داد که بخش کشاورزی در طی سال های مورد بررسی در اکثر استان های کشور هنوز از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. ضریب لگاریتم ارزش افزوده بخش صنعت ۰,۱۶ میباشد و نشان میدهد رشد بخش صنعت تاثیری مثبت بر رشد اقتصادی دارد. مقدار برآوردی ضریب مورد نظر کمتر از ضریب مربوط به رشد بخش کشاورزی میباشد که تاثر کمتر رشد بخش صنعت را بر رشد اقتصادی نشان میدهد. ضریب لگاریتم ارزش افزوده بخش خدمات مثبت برآورد شده است، به عبارتی یک درصد رشد بخش خدمات، افزایش ۰,۵۵ درصدی تولید ناخالص داخلی را به همراه دارد. همانطور که مشخص است بیشترین ضریب مربوط به لگاریتم ارزش افزوده بخش خدمات است که بیانگر این موضوع میباشد که رشد اقتصادی بخش خدمات بیشترین تاثیر را بر رشد اقتصادی در بین بخش های دیگر در استان های کشور دارد. ضریب لگاریتم ارزش افزوده بخش ساختمان مثبت ۰,۱ برآورد شده است که نشان دهنده تاثیر مثبت بر تولید ناخالص داخلی میباشد. کمترین ضریب برآوردی مربوط به بخش ساختمان میباشد که نشان

دهنده این می باشد که رشد بخش ساختمان کمترین تاثیر را نسبت به بخش های دیگر بر رشد اقتصادی در بین استان های کشور دارا می باشد.

۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

در کشورهای در حال توسعه، بخش کشاورزی از سایر بخش های اقتصاد متفاوت است، به ویژه به دلیل کمک زیاد آن به درآمد ملی و نیز افراد زیادی که در این بخش به فعالیت مشغول اند، به سه ویژگی مهم وابسته است و در اینجا مورد بحث قرار می گیرد: ویژگی های اختصاصی تابع بخش کشاورزی، اهمیت مصرف داخلی محصولات برای بخش کشاورزی و نقش کشاورزی در قالب ذخیره منابع. این ویژگی ها در جوامع سنتی آشکار تر است و تمایز آنها در فراگرد نوسازی اقتصادی از بین می رود. طراحی سیاست کشاورزی در جوامع ثروتمند و فقیر به علت این ویژگی ها پیچیده می شود، اما شناخت این ویژگی ها برای درک کامل کمکی که ممکن است به درستی از کشاورزی در راه تلاش برای توسعه کشور انتظار رود، امری ضروری است. با وجود اینکه در شرایط بحرانی سه دهه گذشته اقتصاد ایران، بخش کشاورزی توانسته است نقش مهمی در رشد اقتصادی ایران بازی کند، اما در مجموع این رشد جوابگوی نیازهای کشور در تأمین اشتغال و افزایش درآمد سرانه نبوده است. بنابراین در کنار استفاده از تمام ظرفیتهای بخش کشاورزی لازم است نقش پیشرو در پاسخگویی به نیازهای فزاینده کشور را برای بخش صنعت محفوظ داشت. تحقق چشم انداز ۲۰ ساله کشور نیازمند پیش بایسته ها و الزاماتی است که بدون توجه و رعایت دقیق آنها انتظار نیل به اهداف سند چشم انداز غیر منطقی و به دور از واقع بینی است. از آن جایی که سند چشم انداز به ترسیم آینده ای آرمانی در دنیایی رقابتی، پیچیده و به سرعت در حال تغییر می پردازد، ضرورت توجه به رشد بخش های اقتصادی از جمله بخش کشاورزی در اقتصاد ایران یکی از الزامات در راه رسیدن به اهداف اقتصادی دولت با تاکید بر سند چشم انداز و اهداف کلی برنامه های توسعه در اقتصاد ملی است. بررسی نتایج رابطه فوق در ایران نشان داد رابطه متقابل بین رشد کشاورزی و رشد اقتصادی وجود دارد. بنابراین سیاستهای حمایتی دولت در بخش کشاورزی می تواند علاوه بر رشد این بخش، بر بهبود درآمد ملی نیز اثر مثبتی بگذارد. مسلماً سیاستهای نادرست و یا عدم توجه به

رشد کشاورزی میتواند آثار نامطلوبی بر اقتصاد کشور به همراه بیاورد. همچنین سرمایه گذاری در بخش کشاورزی با هدف تأثیر بر رشد اقتصادی باید با توجه به رابطه کوتاه مدت و بلند مدت بین بخش کشاورزی و بخش کلان اقتصاد انجام گیرد. مشکل کشاورزی در ایران موضوعی است که ارتباط متقابل با سیاست های دولت، فرهنگ غلط کشاورزان و عدم زیر ساختهای موجود در بخش کشاورزی را دارد. برای گام نهادن و طی فرآیند توسعه باید به تغییر پایه ای و ساختاری نظام سیاسی و سپس اجتماعی، سپس فرهنگی و اقتصادی همت گمارد. حل معضلات کشاورزی همچون اصلاح قوانین ارث برای اراضی - مکانیزاسیون کشاورزی - تخصیص منابع مالی آبیاری تکنولوژیک - یکپارچه کردن زمین های قطعه قطعه شده زراعی - ورود علوم مدرن به این بخش - حمایت دولت و . . . در سایه بهبود یا به بیان بهتر تغییر ساختار سیاسی ایران امکانپذیر خواهد بود در غیر این صورت معضلات موجود در بخش کشاورزی هرچه بیشتر بر روند توسعه نیافتگی ایران تأثیر خواهد گذاشت. پیشنهاد می شود که تمهیدات لازم جهت جذب بیشتر سرمایه در این بخش فراهم شود تا زمینه های رشد بخش کشاورزی بیش از پیش فراهم گردد. عموماً در ادبیات موضوع مسایل مانند معافیت های مالیاتی، مشوق های تولید (به صورت یارانه)، تسهیلات بانکی ارزان قیمت همراه با نظارت دقیق، ارایه مشاوره های فنی و علمی، توسعه ی مجتمع های کشت و صنعت، گسترش صنایع تبدیلی برای محصولات کشاورزی و بازاریابی داخلی و خارجی محصولات از جمله راهکارهای مناسب به منظور توسعه ی بخش کشاورزی و استفاده ی بهینه از ظرفیتهای موجود در این بخش قلمداد میگردند. از طرف دیگر، در بخش کشاورزی حرکت به سمت ارزش افزوده ی بالاتر را به عنوان یک معیار راهبردی در تحقق نرخ رشد قابل قبول و پایدار، ذکر می کنند.

منابع و مأخذ

- A esmaili and S.Hassanpour kashani (1386),” Astudy on the relationship between the growth of agriculture section and economical growth emphasizing agricultural section: the use of

ARDL patter,” proceeding of Gth conference of Agricultural Economy Iran, Mashhad.

- A.Falsafian” The study of cause and effect relation between the agricultural section’s growth and economic growth in Iran,” research and Scientific Magazin of Agricultural Sciences of Azad Islamic University, The unit of Tabriz, 4th year, Summer 1389, No.1.

- A.M.Tehranchian, 1386, The role of Agricultur in Iran’s economical growth, the proceedings of 5th conference on Agricultural economy Assembly of Iran, Mashhad, 8-9 Aban P.P.55-645

- A. Shakerian 1383. The positon of agricultural section in the process of country’s economical development, Agricultural economy and development quarterly Magazine 12th year, No.48.

Tale Khorsand, 1384. The law of the 4th plan of economical, social and cultural development of I.R.Iran, Jamalolhagh publishment Third printing Tehran.

- B.Bidabad (1383),” the inter section relationship and aiming at increasement of country’s occupations”, Agricultrual Economy and development magazin, No.12 (p.p 46)

- Block S.A. Agriculture and economic growth in Ethiopia: growth multipliers from a four-sector simulation model. Agricultural Economics, Volume 20, Number 3, May 1999, pp. 241-252(12).

- Birkhaeuser, R., R. Evenson and G. Feder. 1991. The economic impact of gricultural extension: A review. Economic Development and Cultural Change. 39(2):507-21.

- Deller, S.C; Gould, B. W and Jones, B. 2003. Agriculture and rural economic growth. Journal of Agricultural Economics, Volume 35, Number 3, pp.517-527.

- Enders, W. 2004. Applied econometrics time series. Second edition. John Wiley and Sons, Inc.

- Gho Haddad Keshavarz 1383.” The assessment of the potentials of creating occupations of different part of Iran’s Economy”, Iran’s Economic Researches magazine, No.6 (18).

- Greene, W.H. 2005. Econometric analysis. 5th edition. Prentice-Hall International.

- H.Belali and Khalilian (1382).” The impact of investment on job occupying and demand for job from behalf of labers in Iran’s

Agriculture section” , Agricultural Economy and development Magazine, No.11 (41-42).

- Hsiao, C. 1981. Autoregressive modeling and money income and causality detection. Journal of Monetary Economics. 7: 85-106.

- Humphries, H.; Knowles, S. 1998. Does agriculture contribute to economic growth? Some empirical evidence. Applied Economics Volume 30, Number 6/June 1, 775-78.

- Hwa, E.C. 1988. The Contribution of Agriculture to economic growth: some empirical evidence. World Development, Volume 16, Issue 11, pp.1329-1339.

- Katircioglu, S.T. Causality between agriculture and economic growth in a small nation under political isolation: A case from North Cyprus. International Journal of Social Economics, Volume 33, Number 4, 2006, pp. 331-343(13).

- Kym, A. 1987. On Wy Agriculture decline with economic growth? Agricultural Economics, Volume 1, Issue 3, pp.195-207.

- Monchuk, D.C.; Miranowski, J.A.; Hayes, D.J. 2007. An Analysis of Regional Economic Growth in the U.S. Midwest. Review of Agricultural Economics, Volume 29, Number 1, pp. 17-39(23).

- M. Haffer ardestain 1380,”the study of K.Khaledi, 1383,”the study of mutual relationship between the economic growth of Agricultural section and the distribution of income in rural areas” Agriculturl seinces Magazine, No.28, P.P 25-39.

- S.Khalili Iran’s and Sourì, 1384. “ occupation in the productive sections and the role of the factor from behalf of demand, Economical

- M.Hajrahimi and J.Torkamani, 1382.” The study of the role of Agricultural section growth on the Iran’s Economic growth: the use of the path analysis pattern” Agricultrual economy and development quarterly magazine, No.41.Research Magazine, P.P 68.

- M.Jahangir, 1380,” The fundamental law of Islamic Republic of Iran’s .” Doran publishement, 11th printing Tehran.

- M.Taghivi and Rezaee (1383),” A study of the impact of Monetary policies on consumption and occupation in Iran’s Economy”, Economic Research paper, 4th year.

- Mohammad, Noferesti, 1378.” The single root and uniting ing econometrics”, Rasa publishement, Tehran.

- Owens, T., J. Hoddinott, and B. Kinsey. 2003. The impact of agricultural extension on farm production in resettlement areas of Zimbabwe. *Economic Development and Cultural Change*. 75: 337-57.
- The organization of Management and the planning of the country (1382). The Document of Islamic republic of Iran's out look in the horizon of 1404 and the general policies of 4th plan of economical social and cultural development of I.R. of Iran, The leader's statement.
- Todaro, M.P. 1997. *Economics development*. 6th edition. Addison Wesley Publishing Company, Inc., Reading, MA.
- Yao, S., How Important is Agriculture in China's Economic Growth? *Oxford Development Studies* 1360-0818 (Print) 1469-9966 (Online) 33-49.